

مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی  
جمهوری اسلامی ایران  
شماره بیست و پنجم، ۱۳۷۹، صص ۸۳ - ۵۷

## آثار حقوقی اعلان جنگ در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر

محمد علی برزنونی\*

### مقدمه

حقوق بین‌الملل عمومی مجموعه قواعد و اصول الزام‌آوری است که ناظر بر روابط بین کشورها و حاکم بر آن است و درگذر تاریخ با توجه به معاهدات، عرف، آرای قضایی، آثار و نوشته‌های حقوقدانان، تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی، اصول اخلاقی از قبیل انصاف و عدالت و نیز با توجه به حقوق داخلی کشورها تدوین یافته است. این نکته شایان ذکر است که مجموعه مقررات، قواعد و نهادهایی که در حال حاضر حقوق بین‌الملل عمومی را به وجود

---

\*. عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.

آورده و در روابط بین ملتها به عنوان ملك و معيار تلقي مي‌شود، به طور عمده و اساسي از فرهنگ و سنن مسيحييت در مغرب زمين ريشه گرفته است<sup>۱</sup> و كشورهاي اسلامي دخالتي مستقيم در تدوين آنها نداشته‌اند اما با اين حال آنها را محترم شمرده و از آن تبعيت مي‌كنند كه خود ريشه در اصول ديگري در حقوق اسلامي دارد. البته برخي از محققان معتقدند نبايد تأثير حقوق اسلامي را در آثار نويسندگان اوليه حقوق بين‌الملل در قرون ۱۵ و ۱۶ نادیده گرفت. چنان كه شريف‌الدين پيرزاده، مي‌نويسد: «حلقه گمشده بين حقوق رم و حقوق جديد (بين قرون پنجم تا پانزدهم) را بايد در حقوق اسلامي جستجو كرد و آثار اين حقوق را بر نويسندگان مسيحي بررسي نمود».<sup>۲</sup>

---

۱. حميدرضا ملك محمدي نوري، مفاهيم تعليق مخاصمات و حالت نه جنگ و نه صلح در حقوق بين‌الملل، دفتر مطالعات سياسي و بين‌المللي وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۲ هـ . ش، ص ۴.

۲. هوشنگ مقتدر، حقوق بين‌الملل عمومي، دفتر مطالعات سياسي و بين‌المللي وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۲ هـ . ش، ص ۱۴.

جنگ یکی از رخدادهایی است که در روابط بین کشورها بسیار مؤثر است و حقوق جنگ به عنوان زیرمجموعه حقوق بین‌الملل عمومی مطرح و مورد اقبال جهانی قرار گرفته است. گو این که عملاً پایبندی چندانی به الزامات و قواعد آن به چشم نمی‌خورد.

جنگ از نظر حقوقی مجموعه عملیات و اقدامات قهرآمیز و مسلحانه است که در چارچوب مناسبات کشورها روی می‌دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر و همچنین با کشورهای ثالث می‌شود.<sup>۳</sup> جنگ در اصل ممکن است به دنبال اعلان یا از طریق اعلام یک دولت مبنی بر درگیر بودن با دولت دیگر یا به طرز ساده متعاقب انجام اقدامات خصمانه مبتنی بر زور علیه دولت دیگر آغاز شود.<sup>۴</sup> اما به طور کلی گویاترین نشانه آغاز یک جنگ صدور و ابلاغ اعلامیه‌های رسمی و صریح توسط طرفین درگیری است. جنگ با اعلان آن از سوی متخاصمان آغاز

---

۳. حقوق جنگ، دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، ص ۴۵.  
۴. رك. مفاهيم تعليق مخاصمات و حالت نه جنگ و نه صلح، همان، ص ۴.

می‌شود. اعلان رسمی درگذشته از لوازم اصلی جنگ محسوب می‌شد اما امروزه در جهان کنونی با پیچیدگی‌هایی که در روابط بین کشورها وجود دارد، اعلان جنگ یا (Declaration of war) تقریباً جنبه صوری و تشریفاتی به خود گرفته است.

در اسلام رویه اعلان جنگ از ابتدا وجود داشته است. «انذار» یا «اولتیماتوم و دعوت» در عموم جنگ‌های اسلامی به چشم می‌خورد. دلایل قرآنی و حدیثی و قرائن تاریخی بسیاری بر این امر شهادت می‌دهند. در فقه اسلامی شرط آغاز جهاد «انذار و ابلاغ دعوت اسلامی» ذکر شده است.

به دنبال وقوع یک جنگ با اعلان آن، روابط طرفین درگیر و نیز کشورهای دیگر تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و «حالت جنگ» رخ می‌نمایاند. در نتیجه آثار حقوقی دیگری در پی آن بروز می‌نماید.

### سیر تاریخی اعلان جنگ و گشایش درگیری

رویه اعلان رسمی و صریح در آغاز یک جنگ از دیرباز در روابط بین‌الملل مطرح

بوده و از قدمت بسیاری برخوردار است. در تفکر سنتی حقوق بین‌الملل، اصل مهمی درباره آغاز جنگ وجود داشته و آن «لزوم ابلاغ رسمی و صریح گشایش مخاصمات» است. در عهد عتیق، جنگها با تشریفات خاص و آیین‌های مذهبی ویژه همراه بوده است. در قرون وسطی که اوج حاکمیت دین دولتی مسیحی بر مقدرات جوامع محسوب می‌شود، صدور اعلامیه جنگی یکی از شرایط و اجزای مهم و جدایی‌ناپذیر آغاز جنگ گردید. این شرط به منظور تشخیص اقدامات جنگی از حملات خائنانه و فریبکارانه بود که در آن دوران به شدت محکوم می‌شد. در ابتدای دوران معاصر هم اعلان جنگ همچنان مطرح بود.

دانشمندان حقوق بین‌الملل کلاسیک، اعلان جنگ را برای رسمی شدن مخاصمات الزامی دانسته‌اند. آنها معتقدند جنگ باید همراه با اعلان جنگ باشد. در نوشته‌های «گروسیوس» اعلان جنگ از طریق بیان رسمی و صریح به عنوان یکی از شرایط آغاز جنگ قانونی ضروری دانسته شده است. هدف وی از بیان این قاعده،

علاوه بر جلوگیری از حملات ناگهانی و بدون اعلان و اخطار قبلی يك دولت علیه دولت دیگر، آن بود که از دید وی باید جنگ با اختیار و تصمیم صریح و قاطع حادث شود. او جنگها را به دو نوع تقسیم کرده بود:

۱- جنگهای اعلام شده که به نظر او قانونی محسوب می‌شدند.

۲- جنگهای اعلام نشده که ضرورتاً غیرقانونی تلقی نمی‌شدند.

«اگوستین» نیز در تئوری «جنگ عادلانه» خود، ضرورت اعلان جنگ را بیان کرده و یکی از متغیرها را اعلان رسمی بالاترین مقامات کشور می‌داند. او جنگهایی را که فاقد اخطار یا اعلان رسمی باشند، غیرعادلانه می‌نامد.

ضرورت اعلان صریح جنگ هرچند نزد حقوقدانان کلاسیک مطرح بود ولی در مکتب انگلوساکسونها وضع به گونه دیگری بود. انگلوساکسونها مدتهای مدید معتقد بودند این عمل کاملاً تشریفاتی و اختیاری است و می‌توان در عمل از آن پفره رفت. صاحب‌نظران انگلوساکسون در تأیید عقیده

خود، دو دلیل اقامه کرده‌اند. اولاً؛ با اعلان تشریفاتی جنگ، عامل غافلگیری دشمن موضوعیت خود را از دست می‌دهد و موجب تضعیف خویشتن می‌شود زیرا امکان حملات غافلگیرانه از دست می‌رود. ثانیاً؛ آغاز مخاصمات همان قدر که با يك اعلامیه صریح و تعیین تاریخ رسمی اعلان جنگ روشن می‌شود، با اولین هجوم نیز آشکار می‌گردد.<sup>۵</sup>

در عمل این اصل کمتر مورد رعایت قرار گرفته است. «گرامتون ویلسون» نویسنده امریکایی معتقد است تقریباً از ۱۴۰ جنگ واقع شده بین سالهای ۱۷۰۰ تا ۱۹۰۷ فقط نزدیک به ده تای آنها با اعلان قبلی همراه بوده است.<sup>۶</sup> گویا کشورها به دلیل رعایت اصل غافلگیری از اعلان جنگ خودداری می‌کنند.

در جنگ جهانی اول يك نوع بازگشت به اصل رعایت دستورات و مقررات قراردادی مشاهده شد. ژاپن که قبلاً بدون اطلاع قبلی

---

۵. رك. حقوق مخاصمات مسلحانه، شارل روسو، ترجمه دكتر سيدعلي هنجني، دفتر خدمات حقوقي بين‌المللي، ج ۱، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۹ ه. ش، ص ۴۰-۳۹.  
۶. همان، ص ۴۰.

در ۲۵ ژوئیه ۱۸۹۴ به چین و در ۹ فوریه ۱۹۰۴ به روسیه حمله کرده بود، این بار در ۲۳ اوت ۱۹۱۴ رسماً به آلمان اعلان جنگ داد. اما از آن زمان به بعد در این امر مجدداً تزلزل حادث شد و ژاپن دو نوبت دیگر، در ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۱ و ۷ ژوئیه ۱۹۳۷ بدون اطلاع قبلی چین را مورد حمله قرار داد. ایتالیا نیز در ۱۳ اکتبر ۱۹۳۵ به اتیوپی و در ۷ آوریل ۱۹۳۹ بدون اعلان قبلی به آلبانی حمله کرد.<sup>۷</sup>

در جنگ جهانی اول مسأله اعلان جنگ در مجموع رعایت شد، ولی بعد از آن در موارد متعددی این مسأله با امتناع دولتها از قبول مخاصمات و درگیری‌های گسترده به عنوان عمل جنگی، مسأله اعلان جنگ یا نقض شد یا لوث گردید.

در جنگ جهانی دوم التزام به اعلان جنگ عموماً به وسیله ملل متحده رعایت شد اما توسط دول محور مورد ملاحظه واقع نشد. برای نمونه آلمان بدون اطلاع قبلی در ۳۱ اوت ۱۹۳۹ به لهستان و در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ به اتحاد جماهیر شوروی سابق

---

۷. همان، ص ۴۰ و ۴۴.



حمله ور شد.<sup>۸</sup> در بررسی تاریخ نظامی جنگ جهانی دوم نیز این نکته به دست می‌آید که در اکثر مواردی که اعلان رسمی جنگ صادر شده، ملاحظات سیاسی و بین‌المللی مورد نظر بوده است یا هنگامی صورت گرفته که دیگر فواید عدم اعلان رسمی جنگ مثل تأثیر عامل غافلگیری نظامی مطرح نبوده است.

جنگ‌های جدید مانند جنگ اسرائیل و اعراب در سال ۱۹۶۷ و نیز حمله عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به جمهوری اسلامی ایران و نیز حمله این کشور به کویت در سال ۱۹۸۹ از جمله جنگ‌هایی بودند که بدون اعلان قبلی واقع شد.

در اسلام نیز اعلان جنگ وجود داشته و دارد که مستلزم انجام تشریفات خاصی بوده که اهم آن انذار، دعوت و اخطار است. در این باره سخن خواهیم گفت.

### لزوم اعلان جنگ و گشایش درگیری

اصل مهم در شروع جنگ «لزوم اعلان رسمی گشایش درگیری» است. در حقوق

---

۸. همان، ص ۴۴

موضوعه نیز به این ضرورت تصریح شده است. کنوانسیونهای لاهه اخطار قبلی و روشن را چه به شکل اعلان جنگ یا به شکل يك اولتیماتوم قبل از آغاز مخاصمه شرط کرده است.<sup>۹</sup> کنوانسیون سوم لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ در ماده ۱ خود آغاز درگیری را موکول به يك اخطار قبلی و صریح نموده و استناد آن به مقررات عرفی دوران گذشته است. به موجب مقررات این کنوانسیون، جنگ با اعلامیه رسمی که از لحاظ حقوقی نیز بی‌درنگ اعتبار می‌یابد، به اجرا درمی‌آید. اعلان جنگ باید مبتنی بر دلایلی قابل قبول باشد و به اطلاع سایر کشورها نیز برسد تا کشورهای بی‌طرف موضع خود را اتخاذ و اعلام نمایند.

حقوق بین‌الملل لزوم اخطار قبلی و صریح در گشایش درگیری را که از آن به «اصل علانیت» نیز می‌توان تعبیر کرد، محترم شمرده است. از جنگ جهانی اول به بعد، دولتها رویه اعلان رسمی جنگ را کنار گذاشتند. علل زیر می‌تواند در این خصوص مطرح باشد:

---

9. The Encyclopedia Americana, International Edition, Complete in Thirty Volumes, First Published in 1829, 1995, vol. 28, p. 326.

۱- از نظر حقوقی «حالت جنگ» معادل وضعیت «حالت صلح» نیست. جنگ جز در مورد دفاع از خود، طبق میثاق جامعه ملل، پیمان بریان کلوگ، احکام صادره پس از محاکمات نورنبرگ و منشور ملل متحد غیرقانونی قلمداد شده است. اگر جنگی واقع گردد، دیگر الگوی سنتی حقوق بی‌طرفی و جنگ مطرح نیست. زیرا از نظر حقوقی و طبق اسناد فوق‌چنین جنگی میان تمامی اعضای جامعه بین‌المللی از یک طرف و دولت یا دولتهایی که به طور غیرقانونی مبادرت به جنگ نموده‌اند، از طرف دیگر خواهد بود.

۲- ممکن است دولتهایی تمایل داشته باشند جنگی برپا سازند یا وارد نبردی شوند، ولی سیاست تبلیغی آنها بر این ادعا باشد که طرفدار صلح‌اند و در راه تحکیم آن می‌کوشند. بدین ترتیب به منظور ارائه تصویری صلح‌طلب از خویش به جهانیان، دولتها معمولاً رویه عدم اعلان رسمی جنگ را، حتی وقتی که عمیقاً درگیر آن شده‌اند، در پیش می‌گیرند.

۳- با در نظر گرفتن تولید و انباشت سلاح‌های هسته‌ای و منازعه میان قدرتهای بزرگ، جنگ آشکار به شکل کلاسیک و مرسوم آن دگرگون شده است. لذا اعلان جنگ هم شکل دیگری به خود گرفته است.

۴- پیشرفتهای شگرف تکنولوژیک در عرصه صنایع نظامی، استراتژیهای را به میان می‌آورد که بدون در نظر گرفتن عامل غافلگیری بسیار کم تأثیر خواهند بود و لزوم اعلان جنگ مخالف عامل غافلگیری است.

۵- تمایل دولتها به اجتناب از مقتضیات بعضاً پیچیده قوانین داخلی در اعلان جنگ از دیگر عللی است که موجب می‌شود رسماً اعلان جنگ صورت نگیرد.<sup>۱۰</sup> این نکته نیز شایان توجه است که اعلان جنگ به عنوان تنها عامل تعیین‌کننده شروع جنگ و درگیری نیست. عدم اعلان رسمی جنگ به معنی عدم وجود جنگ نیست، بلکه حالت جنگ عینیت دارد و می‌تواند بالفعل محقق شود بدون این که اعلان جنگی صورت گرفته باشد. به همین

---

۱۰. رك. مفاهيم تعليق مخاصمات و حالت نه جنگ و نه صلح، همان، ص ۷-۸.

روي «حالت جنگ» بنفسه قابل بررسي است. دلايل عدم کفايت اعلان جنگ به عنوان عامل تعيين‌کننده آغاز درگيري مي‌تواند به قرار زير باشد:

۱- در قانون اساسي اکثريت کشورها اعلان جنگ و صلح به يکي از دو قوه مقننه يا مجريه سپرده شده است. در نتيجه به خاطر عدم توافق و تراضي دو قوه در اين خصوص،<sup>۱۱</sup> باعث شده است تا اغلب جنگها بدون اعلان رسمي صورت پذيرد. براي نمونه، در امريکا اعلان رسمي جنگ به عهده قوه مقننه و مجلس است اما فرماندهي جنگ با قوه مجريه و دولت است. ۲- دولتها معتقدند ماده ۱

کنوانسيون سوم لاهه که اعلان جنگ را شرط آغاز درگيري دانسته، ناشي از برخورد با واقعه‌اي خاص است و آن، عدم رضايت همگاني از حمله بدون اخطار اژدرافکنه‌هاي

---

۱۱. معمولاً اعلان رسمي جنگ در کشورها به عهده قوه مقننه يا مجريه است. اما مباحث پشتيباني جنگ، فرماندهي، بودجه، نيروي انساني و بسياري مسائل ديگر، موجب مي‌شود که توافق قطعي براي اعلان رسمي جنگ صورت نگیرد، در نتيجه، جنگ بدون اعلان رسمي يکي از قوا درمي‌گیرد و حالت جنگ ايجاد مي‌شود. در اين صورت قواي کشور در مقابل عمل انجام شده قرار مي‌گیرند و به اصطلاح توافق عملي صورت خواهد گرفت.

ژاپني به ناوهاي جنگي روسيه در سال ۱۹۰۴ است و اين واقعه خاص را نمي‌توان تعميم داد. اعلان جنگ شرط لازم همه جنگها نمي‌تواند باشد.

۳- اعلان جنگ ضرورت ندارد صريح باشد بلکه مي‌تواند ضمنی باشد. در نتیجه حمله به يك کشور به معني اعلان جنگ تلقی مي‌شود.

۴- بسياري از دولتها با اين تصميم که در جنگهاي خاص دخالت و مشارکت نمايند، اعلان جنگ کرده‌اند ولي هرگز وارد جنگ نشدند. در بعضي موارد هم با هدف مشارکت در مخاصمات، اعلان جنگ به کشور يا کشورهاي خاص کرده‌اند و در آن شرکت هم جسته‌اند، ولي به علت عدم مشارکت همه جانبه و يا عدم استفاده از نيروي مؤثر و کافي به عنوان متخاصم شناخته نشده‌اند.

۵- مسأله اعلان جنگ به واسطه نياز به پاسخ سريع در قبال تسليحات مخرب امروزين، اهميت سابق خود را از دست داده است.

۶- این سؤال نیز مطرح است که آیا عدم پذیرش يك جانبه حالت جنگي مي‌تواند دليلي قاطع بر عدم وجود جنگ باشد؟

۷- و آخرین نکته این که با پذیرش میثاق جامعه ملل که در ماده ۱۰ آن توسل به زور محدود شده بود و نیز تصریح مجدد آن در پیمان بریان کلوگ در ۱۹۲۸ که در آن، نه تنها توسل به جنگ تجاوزکارانه، بلکه تمام انواع جنگها به عنوان وسیله‌ای برای حل اختلافات بین‌المللی یا ابزار سیاست ملی تقبیح شده بود و نیز ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل متحد که تهدید و توسل به زور را ممنوع اعلام می‌کرد، دولت‌ها دیگر تمایل به اعلان رسمی جنگ ندارند.<sup>۱۲</sup>

در حقوق بین‌الملل معاصر اعلان جنگ دیگر يك مؤلفه اساسی برای آغاز جنگ و تحقق آثار آن محسوب نمی‌شود. گرچه طرفین کنوانسیون سوم ۱۹۰۷ لاهه، هنوز از نظر حقوقی ملزم‌اند که برای آغاز جنگ از پیش

---

۱۲. رك. جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، محمود مسائلی و عالیه ارفعی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۳ ه. ش، ص ۷-۱۱.

اعلان رسمي و صريح نمايند، ولي رويه دولتها نشان از منسوخ شدن اين قاعده و ترك آن دارد و در عين حال، بيانگر اين است كه وظيفه دولتها در اعلان جنگ به عنوان بخشي از حقوق بين الملل عرفي جهان شمول تثبيت نشده است.<sup>۱۳</sup> بر اين اساس، در قطعنامه ۳۳۱۴ در دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومي سازمان ملل متحد كه به «قطعنامه تعريف تجاوز» مشهور است، مي بينيم كه در ماده ۳ خود شرط اعلان جنگ را حذف مي كند. در ابتداي اين ماده آمده است: «هر يك از اقدامات زير بدون توجه به اعلان جنگ، طبق مفاد ماده ۲ كيفيت اقدام تجاوزكارانه خواهد يافت...».<sup>۱۴</sup> يعني كيفيت تجاوزكارانه يك اقدام وابسته و منوط به اعلان جنگ نيست.

### راههاي آغاز جنگ در حقوق بين الملل

سه راه كلي براي آغاز جنگ وجود دارد:

---

۱۳. رك. مفاهيم تعليق مخاصمات و حالت نه جنگ و نه صلح، همان، ص ۱۰.

۱۴. رك. مفهوم تجاوز در حقوق بين الملل، نسرين مصفا و ديگران، مركز مطالعات عالي بين المللي دانشكده حقوق و علوم سياسي دانشگاه تهران، ۱۳۶۵ ه. ش، ص ۸ - ۱۳۷.



۱- اعلان جنگ غیرمشرط با اثر فوري:  
این اعلان در کنوانسیون سوم لاهه ۱۹۰۷ تصریح شده و متضمن هیچ گونه قید و شرطي نیست. یعنی کشوري که قصد جنگیدن با کشوري دیگر دارد، باید طی يك اعلامیه رسمي مراتب را به کشور متقابل ابلاغ نماید. اعلان جنگ علی‌الاصول باید مستدل باشد، اگرچه دلیل آن نادرست باشد. بلافاصله بعد از اعلان جنگ غیرمشرط «حالت جنگ» حاصل می‌شود. از سوی دیگر، طبق ماده ۲ کنوانسیون فوق، باید اعلان جنگ به دولتهای بی‌طرف نیز اطلاع داده شود.

۲- اعلان جنگ مشروط: این نوع اعلان جنگ متضمن شرط یا شروطی خاص است که به آن «اولتیماتوم» «Ultimatum»، یا اتمام حجت نیز می‌گویند. اولتیماتوم به طرق زیر متجلی می‌شود:

الف: به شکل اعلان جنگ مشروط

ب: به شکل اعلان جنگ توأم با تهدید و همراه با يك اخطار مؤجل که این نوع

اولتیماتوم، گاهی صورتهای ناگواری به خود می‌گیرد.<sup>۱۰</sup>

اولتیماتوم را می‌توان اخطاری رسمی دانست که با عباراتی قاطع، روشن و آمرانه نوشته شده و برای دولت مقابل ارسال می‌گردد و طی آن، درخواستها به اطلاع او رسانده می‌شود. اگر کشور مقابل در مهلت داده شده که غالباً کوتاه است، شرایط مندرج در اولتیماتوم را با انجام یا خودداری از انجام کاری تحقق بخشد، موضوع پایان یافته تلقی می‌گردد. در غیر این صورت، با عدم اجابت درخواستها و پایان مهلت اولتیماتوم، به خودی خود میان دو کشور، «حالت جنگ» برقرار می‌گردد.<sup>۱۱</sup> براین اساس اولتیماتوم یک عمل مختلط و دوگانه است. از یک طرف اخطار است و از طرف دیگر اطلاع و اعلان قبلی برای جنگ، و در اغلب اوقات نیز یک

---

۱۰. رك. حقوق مخاصمات مسلحانه، همان، ج ۱، ص ۴۲.

۱۱. این تعریف با استفاده از کتب زیر نوشته شده است: حقوق مخاصمات مسلحانه، همان، ج ۱، ص ۴۲؛ مفاهیم تعلیق مخاصمات و حالت نه جنگ و نه صلح در حقوق بین‌الملل، همان، ص ۶ و حقوق جنگ، دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی، ص ۸۵.

روند تحولي به سوي درگيري و مخاصمه  
تلقي مي‌شود.

۳- مقابله با عمليات جنگي: همانطور  
که قبلاً آوردیم، در حال حاضر رويه اعلان  
جنگ بين دولتها متروک شده است. در عمل  
جنگهاي بسياري بدون اعلان قبلي صورت  
گرفته، در حالي که قانوناً جنگ جريان  
داشته و عيني بوده است. اگر کشوري  
اقدام به تجاوز عليه کشوري ديگر نمايد  
يا در حال آماده سازي قوا و تهيه ساز و  
برگ نظامي و نقل و انتقالات نيروهاي خود  
در مرزها باشد و از جانب آن کشور احساس  
خطر شود، آمادگي و سپس مقابله الزامي  
است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد که دفاع  
از خود را مشروع شمرده است و نيز «جنگ  
بازدارنده» که در حقوق بين‌الملل مشروع  
شمرده شده است، براي طريق آغاز جنگ  
اشاره دارد.

### راههاي آغاز جنگ در اسلام

در فقه و حقوق اسلامي راههاي آغاز  
جنگ سه گونه است:

۱- اعلان جنگ و نبرد

۲- مقابله با اعمال جنگطلبانه دشمن  
۳- انذار نهایی یا ابلاغ دعوت اسلامی  
در اسلام هیچ جنگی بدون اعلان قبلی  
صورت نمی‌گیرد و چنان چه خواهد آمد،  
آغاز هر جنگی در اسلام مستلزم تشریفات  
ویژه‌ای است که اهم آن انذار و اخطار  
است.

### ۱- نبرد و اعلان جنگ

در صورتی که بین يك کشور اسلامی و  
غیرمسلمانان پیمانی منعقد شده باشد و  
کشور متعهد در اجرای قرارداد خود  
کوتاهی کند و مرتکب خیانت شود «منابذه»  
تحقق می‌یابد. بدین معنی که به خائن  
انذار داده می‌شود که مسلمانان پیمان را  
لغو شده می‌شمارند و این نوعی اعلان جنگ  
است.<sup>۱۷</sup>

---

۱۷. رك. قواعد الاحكام في مسائل الحلال والحرام، علامه  
حلی، چاپ شده در سلسله الإنابیع الفقہیة، علی اصغر  
مروارید، مؤسسه فقه الشیعة، الدار الاسلامیة، بیروت،  
الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ هـ. ق، ۱۹۹۰ م، جلد ۹، ص ۲۶۴.

منابذه نوعي از انذار است که شرح آن خواهد آمد. فرق اساسي بين منابذه و انذار اين است که منابذه تنها زماني محقق مي‌شود که پيمان قبلي بين مسلمانان و غيرمسلمانان وجود داشته و مسلمين قصد داشته باشند به علل يا دلایلي پيمان منعقد شده را قبل از اتمام مدت نقض کنند. آیه ۵۸ سوره انفال فرمان مي‌دهد «و اما تخافن من قوم خيانه فانبذ اليهم علي سواء ان الله لا يحب الخائنين».

از آیه فوق حداقل ۴ حکم استفاده مي‌شود:

- ۱- معاهده و مهادنه با غيرمسلمانان به خاطر مصلحت جايز است.
- ۲- وفاي به عهد در صورتي که نشانه‌هاي خيانت مشاهده نشود واجب است.
- ۳- نبذ عهد از کسي که انتظار مکر و فریب از او مي‌رود جايز است.
- ۴- غيرمسلمانان را بايد از نبذ آگاه کرد تا بر مسلمين خرده نگیرند که برغم هم پيمان بودن با آنان، جنگ صورت گرفته است.

بنابراین اگر بین مسلمانان و گروهی از دشمنان پیمانی منعقد بود و امارات و قرائنی دال بر خیانت آنان ظاهر شد، جایز است که پیمان طرفین از سوی ولی امر مسلمین نقض و به طرف مقابل اعلام شود. این عمل در اسلام «نبرد عهد» یا «منابذه» نام دارد. در منابذه مسلمانان ملتزم می‌شوند که عملیات جنگی را شروع نکنند، مگر بعد از دادن مهلت معقولی که حداقل سه روز است. این مهلت برای این است که دشمن به فرماندهان و سربازان خود ابلاغ کند که عهد بین آنها و مسلمانان پایان پذیرفته است.<sup>۱۸</sup>

در صورتی که مسلمانان نبرد عهد کرده باشند و مدت مقرر پایان پذیرفته باشد، بمنزله اعلان جنگ تلقی خواهد شد. نبرد عهد معمولاً با کشورهایایی که تحت عنوان «دار عهد»، «دار هدنه»، «دار موادعه» و «دار حیاد» قرار می‌گیرند صورت می‌پذیرد.

---

۱۸. رك. احكام الحرب و السلام في دولة الاسلام، احسان هندي، دارالنمير للطباعة والنشر والتوزيع، دمشق، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ هـ . ق، ۱۹۹۳ م، ص ۱۵۲، به نقل از المبسوط، محمد بن احمد السرخسي، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بيروت، الطبعة الثانية، بي‌تا، ج ۱۰، ص ۵؛ البدايع، ج ۷، ص ۱۰۹.

اگر این کشورها مرتکب کاری شوند که از آن بوی خیانت به مشام برسد، کشور اسلامی مجاز است «نبد عهد» نماید و به آنها اعلام کند که پیمان ملغی شده است. اما اگر کشور هم‌پیمان مفاد پیمان‌نامه را محترم شمرد و بر پیمان یا بی‌طرفی خود باقی ماند، بر کشور اسلامی است که تا پایان مدت قرارداد به آن وفا نماید و پس از انقضاء، تمدید آن توسط ولی بلامانع است. چه، اصل عام وفای به عهد و پیمان برگرفته از قرآن «اوفوا بالعقود» یا سنت نبوی که فرمود «وفاء لا غدر فیه» بر این امر تکیه و تأکید دارد.

## ۲- مقابله با اعمال جنگ‌طلبانه دشمن

اگر بین کشور اسلامی و دشمن «حالت جنگ» قائم باشد یا از سوی دشمن اقدام به جنگ شود، هجوم بر آنان و اقدامات جنگی علیه دشمن جایز است و از آنجا که

دشمن خود سبب برافروختن آتش جنگ شده است به انذار و اعلان جنگ نیاز نیست.<sup>۱۹</sup> در تاریخ اسلام و سیره پیامبر عظیم الشأن اسلام (ص) شواهدی از این نمونه وجود دارد:

(الف) پیامبر بعد از غزوة احزاب، بني قريظه را به واسطه همدستي علني آنان با قريش و اقدام عليه مسلمانان محاصره كرد. روایت شده كه فرمود **«لايصلين احد الظهر - و في رواية العصر - الا في بني قريظة»**.<sup>۲۰</sup>

(ب) پیامبر روز فتح مكه، قريش را انذار نداد، چرا كه قريش نسبت به پيمان صلح حديبيه وفا نكرد و آن را زير پا گذاشت و با قبائلي از باديه نشينان عرب عليه اسلام هم پيمان شد.

---

۱۹. رك. آثار الحرب في الفقه الاسلامي، و هبة الزحيلي، دارالفكر، دمشق، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۲ هـ. ق، ۱۹۹۲ م، ص ۱۴۹، به نقل از شرح السير الكبير، محمد بن الحسن الشيباني، شرح السرخسي، تحقيق صلاح الدين المنجد، معهد المخطوطات العربية، القاهرة، ۱۹۵۸ م، ج ۴، ص ۸؛ نيز رك. الاحكام السلطانية و الولايات الدينية، ابوالحسن الماوردي، مراجعة محمد فهمي السرجاني، المكتبة التوفيقية، القاهرة، ۱۹۷۸ م، ص ۳۵.

۲۰. شرح المسلم، ابو زكريا يحيى بن شرف النووي، مطبعة السنة المحمدية، القاهرة، بيتا، ج ۱۲، ص ۹۷.



ج) هجوم مسلمانان بر اهل خیبر و ابني<sup>۲۱</sup> و نیز بني مصطلق بدون انذار قبلي بود، چرا که بين آنان حالت جنگ برقرار بود.

اگر دشمن مستقیماً اقدام به عملیات جنگی و تجاوزکارانه علیه مسلمین کرده باشد یا در حال آماده‌سازی نظامی باشد، به شکلی که احساس تجاوز و خطر علیه کشور اسلامی شود، دیگر انذار، اخطار و اعلان جنگ مفهومی نخواهد داشت. در صورتی که کشوری اقدام به جنگ نماید، عنوان «دارحرب» بر او اطلاق می‌شود.

### ۳- انذار نهایی یا ابلاغ دعوت اسلامی

یکی دیگر از راههای شروع جنگ در اسلام، اتمام حجت یا به عبارتی اولتیماتوم است. مخاطب اسلام همه مردم اند و باید همه مردم پیام این دین خاتم را بشنوند. پس اسلام دعوت خود را ابلاغ می‌کند و در ابلاغ دعوت، دشمن را بین «اسلام آوردن» یا «پیمان بستن» یا «کارزار» مخیر می‌کند. اصولاً دعوت اسلامی

---

۲۱. قریه‌ای در مته است. رك. معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۱، ص ۹۹.

نوعي اولتیماتوم است که قبل از اعلان جنگ مطرح می شود.<sup>۲۲</sup>

در کنفرانس ۱۹۰۷ لاهه به این مورد تصریح شده است. در انذار و اولتیماتوم شرط است که مدت معینی مهلت داده شود. البته مهلت باید به گونه ای باشد که حالت صوری به خود نگیرد. چه، مهلت می تواند آنقدر اندک باشد که ظاهراً وصف ناگهانی بودن آن از بین نرود ولی در عین حال از اصل غافلگیری هم استفاده شود. این نوع مهلت دادن صوری است. برای نمونه، در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۱ ایتالیا به یونان مهلت بسیار اندکی داد.

از دیدگاه حقوق اسلامی «اگر دشمن مهلت خواست برای تأمل در دعوت اسلامی مدت معینی به آنان مهلت داده می شود و طی این مدت شخص آگاهی از مسلمانان با آنان به گفتگو می نشیند».<sup>۲۳</sup>

---

۲۲. آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، همان، ص ۱۵۱.

۲۳. رك. الكافي في الفقه، ابوالصلاح تقی الدین بن نجم الدین عبدالله الحلبي، چاپ شده در سلسله الینابیع الفقهیه، علی اصغر مروارید، مؤسسه فقه الشیعة، الدار الاسلامیة، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ هـ. ق، ۱۹۹۰ م، ج ۹، ص ۳۷.

این نوع از انذار و ابلاغ دعوت اسلامی، معمولاً نسبت به کشورهای است که تحت عنوان «دار کفر» یا «دار شرک» قرار دارند. اگر به معنای عام دعوت توجه کنیم، همه کشورهای غیراسلامی و عموم غیرمسلمانان مشمول دعوت اسلامی خواهند بود. اما اگر منظور دعوت خاص باشد که نوعی اتمام حجت (اولتیماتوم) است، طبیعی است صرفاً کشورهای را دربر خواهد گرفت که عهد و پیمانی با کشور اسلامی ندارند یا مدت عهد و پیمان با آنها به سر آمده است. پس از انذار و اعلان جنگ، ممکن است کشوری که به آن انذار و اعلان شده است با بستن پیمان، تحت عنوان دار عهد، دار هدنه یا دار موادعه قرار گیرد و تنها در صورتی که کشور مورد نظر به کارزار تن در دهد عنوان «دار حرب» خواهد داشت که مقررات خاص خود را دارد و در جای خود به تفصیل آمده است.

عنصر مفاجاة و هجوم ناگهانی و اصل غافلگیری یکی از عوامل مهم پیروزی در میادین نظامی قلمداد می‌شود، اما اسلام آن را ممنوع کرده است تا از ایجاد

خسارت‌های غیر انسانی حتی در صفوف دشمن حتی‌الامکان جلوگیری به عمل آید و جنگ فریبکارانه نباشد. چه، در اسلام سود نظامی در میدان جنگ غایت بنفسه نیست. اهدافی مثل کشورگشایی، فتح و سود مادی اصولاً جایی ندارد. غایت در اسلام، گشودن راه دعوت اسلامی است و اگر این غایت و هدف بدون خونریزی تحقق یابد و خون انسانهای مسلمان و غیرمسلمان ریخته نشود، با جوهر اسلام هماهنگی بیشتر دارد. به همین خاطر، اسلام اجازه شبیخون نداده است. در اسلام «جهاد فی سبیل الله» مشروع است. قید مهم «فی سبیل الله» هم هدف جهاد و هم ماهیت آن را روشن می‌سازد. هدف اسلام فتح قلوب و اقناع عقول آدمیان است. به همین منظور، دعوت و هدایت با استفاده از اسلوبهای خاص و روشهای عقلانی، شرط اول و ضروری جهاد فی سبیل الله دانسته شده است. با نگاهی دقیق‌تر درمی‌یابیم که اصولاً این جهاد «الدعوة الي الله» است نه چیز دیگر که در جای خود بدان پرداخته شده است.

## دلایل قرآنی انذار

در قرآن کریم آیات متعددی پیرامون دعوت و تبلیغ وجود دارد. به عبارتی می‌توان کلیه آیاتی را که در زمینه فریضة مهم و حیاتی امر به معروف و نهی از منکر آمده است، در این زمینه نیز وارد دانست. چه، دعوت به اسلام و احکام الهی از بزرگترین معروفهاست که امر به آن شده است و کفر و شرک از جمله بزرگترین منکرهاست که از آن نهی گردیده است. به نمونه‌هایی از آیات شریف اشاره اجمالی خواهیم داشت.

۱- «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیله و هو اعلم بالمهتدین».<sup>۲۴</sup> مردم را با حکمت و پند نیکو به دین حق دعوت کن و با آنها به نیکوترین وجه بحث کن. خداوند گمراهان و هدایت‌شوندگان را بهتر از شما می‌شناسد.

---

۲۴. قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۱۲۵.

این آیه حکمت و موعظة حسنه و جدال احسن را معیار دعوت دانسته و یکی از آیاتی است که در آن روح صلح، سعه صدر، تسامح و تساهل بوضوح نمودار است. صاحب «کنزالعرفان» منظور از حکمت را قرآن دانسته و جدل را دلیل عقلي شمرده است.<sup>۲۵</sup> «ابوالفتوح رازی» حکمت را سخن درست و موعظة حسنه را پند نیکو دانسته است.<sup>۲۶</sup>

مفسران این آیه را به وجوب دعوت کفار به سوی دین، قبل از محاربه با آنان تفسیر کرده اند و ذیل تفسیر آن به آیه ۱۳۴ سوره طه نیز استناد نموده اند.<sup>۲۷</sup> استنباط صاحب «تفسیر شاهی» از این آیه، وجوب دعوت به ایمان و رفع شبهه از مخالفان پیش از مقاتله با ایشان برای اتمام حجت است.<sup>۲۸</sup>

---

۲۵. کنزالعرفان، جمال الدین مقداد بن عبدالله السوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۴۳ هـ. ش، ج ۱، ص ۳۹۲.

۲۶. تفسیر ابوالفتوح رازی، جمال الدین ابوالفتوح رازی، تصحیح و حواشی میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۲ هـ. ش، ج ۷، ص ۱۶۰.

۲۷. کنزالعرفان، همان، ج ۱، ص ۳۹۲.

۲۸. تفسیر شاهی، ابوالفتح الحسینی الجرجانی، تبریز، کتابفروشی سروش، ۱۳۸۰ هـ. ق، ج ۲، ص ۹۱.

۲ — «و ما كنا معذبين حتي نبعث رسولا». ۲۹ ما ملتي را عذاب و عقوبت نمي‌کنیم مگر آن که قبلاً به وسیله پیامبران خود احکام را به آنها ابلاغ کنیم.

تاریخ ادیان نشان داده است که خدای سبحان هیچ قومی را پیش از ارسال پیامبر بر آنان عذاب نکرده است، بلکه پس از ارسال رسل و ارائه پیام الهی از سوی پیامبر و بی‌مهری و عدم قبول از سوی مردم و حتی بعضاً تمسخر و درخواست عقوبت، اقدام به فرستادن عذاب بر آن قوم می‌کند. جنگ نیز نوعی عذاب و عقوبت دنیوی است، لذا اقدام به آن بدون انذار دشمن جایز نیست.

۳ — «کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله و لو امن اهل الکتاب لکان خیرا لهم منهم المومنون و اکثرهم الفاسقون». ۳۰ شما نیکوترین امتی هستید که برای مردم قیام کردند و مردم را به نیکوکاری و ادار و از بدکاری باز می‌دارند و به خدا ایمان

۲۹. قرآن کریم، سوره اسراء، آیه ۱۵.

۳۰. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

می‌آورند. اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند برای آنان بهتر بود. برخی از آنان مؤمن و بیشتر آنها فاسق و بدکارند.

با توجه به واژه «**اخرجت للناس**» که در آیه شریف آمده است، این مطلب استنباط می‌شود که مسلمانان بهترین امتی هستند که به نفع مردم و نه علیه آنان به دعوت و هدایتگری می‌پردازند.

سایر آیاتی که درخصوص امر به معروف و نهی از منکر آمده است، در این فراز قابل ذکر است. برای نمونه، آیه ۱۰۴ سوره آل عمران که فرمان می‌دهد باید عده‌ای از شما مردم را به خیر دعوت کنند و امر به کارهای خیر و نهی از اعمال زشت نمایند. نیز آیه ۴۱ سوره حج که از جمله صفات متمکنان در زمین را که از سوی خداوند مدد می‌شوند، اقامه نماز، ایتای زکات و امر به معروف و نهی از منکر می‌شمارد. دولت اسلامی نیز بر این مهم باید اقدام کند با شرایطی خاص که در جای خود آمده است.



## دلایل روایی انذار

در سنت شریف معصوم (ع) علاوه بر نامه‌ها و وصایای فراوان که گوشه‌ای از آن گفته خواهد شد، در افعال و اقوال آنان هم بر عدم جواز حمله به دشمن و نیز بر وجوب انذار قبل از آغاز جنگ و اعطای اختیارات معروف تأکید شده است و امتناع از پذیرش دعوت به اسلام را شرط جایز بودن کارزار می‌شمارد. به نمونه‌هایی از این احادیث اجمالاً اشاره می‌کنیم:

۱- عن النبي (ص): «لا تقاتل الكفار الا بعد الدعاء».<sup>۳۱</sup> با کافران کارزار نکن مگر بعد از دعوت کردن.

۲- عن ابي عبدالله (ع): «قال اميرالمومنين (ع) فلما و جهني رسول الله الي اليمن قال يا علي لا تقاتل احدا حتي تدعوه الي الاسلام و ايم الله لان يهدي الله عز و جل علي يدك رجلا خير لك مما طلعت عليه الشمس و غربت».<sup>۳۲</sup> امام صادق (ع) به نقل از

۳۱. رك. مستدرک، حاكم نيشابوري، ص ۲۴۷.

۳۲. رك. فروع الكافي، محمدبن يعقوب كليني، تحقيق محمد جواد الفقيه، تصحيح يوسف البقاعي، دار الاضواء للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۵، ص ۳۶؛ ضمناً حدیثی شبیه به این مضمون در وسایل

امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: وقتی که رسول خدا مرا به یمن فرستاد، فرمود یا علی با هیچ کس کارزار مکن تا وقتی که او را به اسلام دعوت کرده باشی. سوگند به خدا اگر به وسیله تو، خدای عزوجل یک تن را هدایت به حق کند، برای تو از آن چه که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند بهتر است.

۳- در وصایای رسول گرامی اسلام (ص) به فرماندهان سپاهشان ثبت شده است که به آنان می‌فرمود: «اذا لقيت عدوك من المشركين فادعهم الي ثلاث خصال او خلال فایتهم اجابوك اليها فاقبل منهم و كف عنهم: ادعهم الي الاسلام فان اجابوك فاقبل منهم و كف عنهم فان ابوا فلهم الجزية فان اجابوك فاقبل منهم و كف عنهم فان ابوا فاستعن بالله و قاتلهم»<sup>۳۳</sup> وقتی با دشمنان

---

الشيعة، محمد بن حسن حر عاملی، تهران، اسلامیة، ۱۳۸۸ هـ . ق، ج ۱۱، ص ۳۰ هست.

۳۳. احمد و مسلم و ابو داوود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه و سلیمان بن بریده این حدیث را روایت کرده‌اند؛ ضمناً نصی شبیه این حدیث در بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، ابن رشد القرطبي، مطبعة الاستقامة، ۱۳۷۱ هـ . ق، ص ۴۴۹ هست؛ رك. شرح المسلم، همان، ج ۱۲، ص ۳۷؛ جامع الترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی السلمی ترمذی، شرح تحفة الاحوذی، دهلی، ۱۳۰۰ هـ . ق، ج ۲، ص ۴۰۱؛ بخاری این حدیث را روایت نکرده است.

خود از مشرکان روبرو شدي آنان را به سه امر دعوت کن. هر کدام را پذیرفتند، قبول کن و از آنان دست بکش. آنان را به اسلام دعوت کن. اگر اجابت کردند قبول کن و دست بکش. اگر از قبول اسلام خودداری کردند از آنان جزیه بخواه. اگر پذیرفتند قبول کن و دست بکش و اگر باز امتناع کردند، از خدا استعانت بجوی و با آنان کارزار کن.

۴- در روایت دیگری آمده است که پیامبر فرمود: «ادعهم الي الاسلام فيكونون منا و ان ابوا الي البقاء علي دينهم و سلطانهم ... لهم الجزية فان رضوا فاجعل لهم ذمة الله و ذمة نبيه و كف قتالهم و ان ابوا الجزية فاستعن بالله و قاتلهم».<sup>۳۴</sup> آنان را به اسلام دعوت کن تا از ما شوند و اگر امتناع کردند و بقای بر دین و حاکمیت خود را خواستار شدند ... جزیه بر آنان است. اگر راضی شدند عهد خدا و پیغمبر را برایشان قرار بده و از کارزار با آنها دست بکش و اگر از جزیه امتناع

---

۳۴. رك. احكام الحرب و السلام في دولة الاسلام، همان، ص ۱۴۹.

کردند از خداوند استعانت بجوي و با آنان بجنگ.

۵- نیز رسول خدا (ص) در روز غزوة خیبر خطاب به امیرمؤمنان علي (ع) فرمود: آنان را به اسلام دعوت کن. به خدا سوگند اگر يك تن به دست تو هدايت شود براي تو از چهارپاياني که زر سرخ بار دارند بهتر است.<sup>۳۵</sup>

۶- پیامبر در وصيتي فرمود: «تالفوا الناس و تانوا بهم و لا تغيروا عليهم حتي تدعوهم، فما علي الارض من اهل بيت من مدر و لا و بر الا ان تاتوني بهم مسلمين احب الي من ان تاتوني بابنائهم و نسائهم و تقتلوا رجالهم»<sup>۳۶</sup> با مردم انس بگيريد و الفت جوييد و بر آنان بردبار باشيد و بر آنان هجوم نبريد، مگر اين که آنان را دعوت نماييد. اگر آنچه خانواده روي زمين است از شهر و بيابان، به عنوان

---

۳۵. رك. فتح الباري بشرح صحيح البخاري، ابن حجرالعسقلاني، المطبعة البهية، المصرد، ۱۳۵۲ هـ. ق، ج ۶، ص ۱۰۹؛ نیز نيل الاوطار شرح منتقى الاخبار، محمدبن علي بن محمد الشوكاني، مطبعة مصطفى الباي الحلبي، ۱۳۷۲ هـ. ق، ج ۷، ص ۲۳۳.

۳۶. رك. احكام الحرب و السلام في دولة الاسلام، همان، ص ۱۵۰؛ به نقل از النظم الاسلاميه، دكتر جمعي صالح، ص ۵۱۴.

مسلمان نزد من آورید، پیش من محبوبتر است از این که فرزندان و زنانشان را اسیر نزد من آورید و مردانشان را بکشید.

۷— از وصیته که رسول مکرم به معاذبن جبل دارد حتی این نکته به دست می‌آید که برای این که دشمن بتواند یکی از اختیارات سه گانه را انتخاب کند، فرصتی اضافه به آنها داده می‌شود. وقتی پیامبر، معاذ را به یمن فرستاد فرمود: «و لا تقاتلوهم حتی تدعوهم فان ابوا فلا تقاتلوهم حتی یبدووکم فان بدووکم فلا تقاتلوهم حتی یقتلوا منکم قتیلا ثم اروهم ذلك القتیل و قولوا لهم هل الی خیر من هذا سبیل فلئن یهدی الله علی یدیک رجلا واحدا خیر مما طلعت علیه الشمس و غربت».<sup>۳۷</sup> با آنان کارزار مکن مگر آن که آنها را دعوت نمایی. اگر ابا کردند اقدام به جنگ نکن تا آنان آغازگر باشند. اگر ابتدا به جنگ کردند شما اقدام نکنید تا یک تن از شما را بکشند. سپس آن کشته را به آنان نشان داده و بگویید آیا راهی

---

۳۷. رك. المبسوط، همان، ج ۱۰، ص ۳۱.

بهتر از این (جنگ و کشتار) هست؟ اگر توسط تو يك تن را خدا هدایت کند برای تو از آنچه که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند بهتر است.

۸ - پس از رسول خدا (ص)، امیرمؤمنان (ع) نیز به قتال دشمنان ابتدا نکرد مگر این که آنها را به حق دعوت نمود و این سیره رسول خدا است. او نیز در واقعه جمل و نهروان و صفین ابتدا به جنگ نکرد. به لشگریانش قبل از نبرد صفین فرمود: «لا تقاتلوهم حتي يبدووکم فانکم بحمدالله علي حجة و ترککم اياهم حتي يبدووکم حجة اخري لکم عليهم». <sup>۳۸</sup> با آنان مجنگید مگر به جنگ شما دست یازند، چرا که - سپاس خدا را - حجت با شماست و رهاکردنشان تا دست به پیکار گشایند حجتی دیگر برای شما بر آنهاست.

۹ - امام (علي) فرمود: با احدي پیکار نمی‌شود مگر این که به اسلام دعوت شود. <sup>۳۹</sup>

از همه احادیث فوق و نیز سنت شریف معصومین (ع) لزوم دعوت دشمن به اسلام

۳۸. رك. نهج البلاغه، وصیت ۱۴.

۳۹. رك. فصل الخطاب، ص ۶۵۸.

قبل از آغاز جنگ به دست می‌آید. تا جایی که حتی احادیث بسیاری، آغاز به جنگ بعد از دعوت را نیز نهی می‌کند تا آغاز نبرد از سوی دشمن باشد نه از طرف اردوی مسلمانان. درخصوص کیفیت آن بعد سخن خواهیم گفت.

### شواهد تاریخی برای انذار

عبدالله بن عباس روایت کرده است که «ما قاتل رسول الله قوما قط الا دعاهم».<sup>۴۰</sup> هرگز رسول خدا با گروهی کارزار نکرد مگر این که آنان را دعوت نمود. ابویوسف نیز در «الخراج» آورده است «لم یقاتل رسول الله قوما قط فیما بلغنی حتی یدعوهم الی الله و رسوله».<sup>۴۱</sup> در اخباری که به من رسیده هرگز رسول خدا با گروهی کارزار نکرده است مگر این که آنان را به خدا و رسول او دعوت می‌کرد.

پس از رحلت رسول خدا، حاکمان جامعه اسلامی به وصایا و احادیث شریف آن حضرت

---

۴۰. احمد و حاکم و بیهقی و ابویعلی و طبرانی روایت کرده‌اند. رک. بیهقی، ج ۹، ص ۱۰۷.  
۴۱. احکام الحرب و السلام فی دولة الاسلام، همان، ص ۱۵۰، به نقل از الخراج ابویوسف، ص ۳۰۷.

در باب جهاد، خصوصاً از حیث انذار دشمن و اعطای اختیارات سه گانه معروف، جامه عمل پوشاندند. مشهور است که سلمان فارسی در جنگ با اهل مدائن، خطاب به مسلمانان گفت: دست نگهدارید تا آنان را به آنچه رسول خدا (ص) فرمان داده دعوت نمایم. سپس سلمان به طرف مدائنی‌ها آمد و گفت: یا اسلام یا معاهده یا قتال. گفتند: نه اسلام نه جزیه فقط کارزار. سلمان انذار و تخیرات را سه بار تکرار کرد و آنان فقط کارزار را پذیرا شدند. در این وقت سلمان به سپاهیان‌ش گفت: به نام خدا به کارزارشان برخیزید.<sup>۴۲</sup> نیز در روایت ترمذی است که سلمان و سپاهیان‌ش وقتی که به گروهی از ایرانیان رسیدند، سلمان به سپاهیان‌ش گفت: مرا بگذارید تا آنها را دعوت کنم هم چنان که از رسول خدا شنیدم. نزدیک آنان آمد و گفت: من مردی فارس از شمایم و گروه اعراب مرا اطاعت می‌کنند. اگر اسلام آوردید مثل ما خواهید بود ... و اگر جز

---

۴۲. احکام الحرب و السلام في دولة الاسلام، همان، ص ۱۵۰، به نقل از شریعة الله و شریعة الانسان، علی علی منصور، ص ۵۶.



دین خود را نپذیرفتید شما را رها می‌کنم  
اما جزیه دهید و خاضع شوید.<sup>۴۳</sup>  
در تاریخ آورده‌اند که شکایتی از  
اهالی سمرقند علیه قتیبه بن مسلم  
فرمانده سپاهیان مسلمان به عمر بن  
عبدالعزیز رسید و در آن از ظلم قتیبه و  
خیانت او آمده بود، چرا که قتیبه  
سرزمین آنان را بدون مخیر کردن آنها در  
امور سه‌گانه فتح کرده بود. عمر بن  
عبدالعزیز به والی خود در سمرقند به  
نام سلیمان بن ابی السری نامه‌ای نوشت و  
ماجرای شکایت را بازگفت و آورد که چون  
نوشته من به تو رسید قاضی در این باب  
حکم بدهد، اگر به نفع اهالی سمرقند حکم  
داد اعراب مسلمان از شهر خارج شوند و  
به محلی که قبل از غلبه قتیبه بر  
سمرقند بودند، بازگردند، گفته‌اند قاضی  
جمیع بن حاضر باجی که فهمید قبل از  
انذار و تخییر به کارزار اقدام شده  
است، به نفع اهالی سمرقند حکم داد و  
سپاهیان مسلمان را به خروج از شهر  
فرمان داد. سپس خیارات سه‌گانه را برای

---

۴۳. احکام الحرب و السلام فی دولة الاسلام، همان، ص ۱۵۰،  
به نقل از الجهاد طریق النصر، عبدالله غوشه، ص ۱۱۸.

آنها فرستاد آنها معاهده و جزیه را قبول کردند.<sup>۴۴</sup> بعضی می‌گویند آنها راضی شدند که به وضع سابق بمانند چرا که عدالت اسلامی را احساس کرده بودند.<sup>۴۵</sup>

### آرای دانشمندان در انذار

جمیع فقیهان بر تقدم دعوت و انذار قبل از آغاز درگیری تأکید کرده‌اند. به طور کلی درخصوص ابلاغ دعوت اسلامی و انذار قبل از آغاز درگیری سه نظر عمده در فقه اسلامی وجود دارد:

۱- واجب است قبل از کارزار، دعوت اسلامی صورت بگیرد. چه قبلاً به دشمن رسیده باشد و چه نرسیده باشد. ظاهراً این رأی از مالک، هادویه و زیدیه رسیده است. دلیل آنان آیه ۱۶ سوره فتح است که در آن آمده است: «ستدعون الي قوم اولي باس شدید تقاتلونهم او یسلمون». «او» در این آیه به معنای اختیار و انتخاب است

---

۴۴. حادثه سمرقند را بلاذری در «فتوح البلدان»، البلاذری، دار النشر للجامعین، بیروت، ۱۹۵۷ م. و ابن‌اثیر در «کامل» خود آورده است؛ نیز رک. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۵۶۷.

۴۵. رک. احکام الحرب و السلام فی دولة الاسلام، همان، ص ۱-۱۵۰، به نقل از فقه السنة، ج ۲، ص ۷-۶۴۶.

و اطلاق نیز دارد. یعنی شامل حال دعوت‌شدگان قبل نیز می‌شود.

۲- دعوت واجب نیست بلکه استحباب دارد.

۳- دعوت برای آنهایی که اسلام به آنها نرسیده واجب است. اما اگر اسلام انتشار عمومی پیدا کرد و مردم دعوت اسلامی را شناختند، در این صورت استحباب تأکیدی برای دعوت و انذار است اما واجب نیست. جمهور علمای اهل سنت و اباضیه بر این رأی قائلند.<sup>۴۶</sup> ابن منذر می‌گوید:

---

۴۶. رك. شرح السير الكبير، همان، ص ۸-۵۷؛ المبسوط، همان، ج ۱۰، ص ۶ - ۳۰؛ الفتاوي الهندية، جماعة من علماء الهند، المطبعة الاميرية، القاهرة، ۱۳۱۰ هـ. ق، ج ۲، ص ۱۹۲؛ البحر المحيط، ابو عبدالله محمد بن يوسف بن علي الاندلسي (ابوحيان)، مطبعة السعادة، مصر، ۱۳۳۸ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۰۱؛ الام، محمد بن ادريس الشافعي، مطبعة بولاق، القاهرة، ۱۳۲۱ هـ. ق، ج ۴، ص ۱۵۷؛ مغني المحتاج الي شرح

المنهاج، محمد الشربيني الخطيب، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۵۲ هـ. ق، ۱۹۳۳ م، ج ۴، ص ۲۲۱؛ المغني، ابن قدامة الحنبلي، تحقيق محمود عبدالوهاب فايد، مكتبة القاهرة، ۱۳۸۹ هـ. ق، ۱۹۶۹ م، ج ۸، ص ۳۶۱؛ الاقناع لطالب الانتفاع، ابوالنجا موسي بن احمد الحجواي الحنبلي، مكتبة انصار السنة المحمدية، القاهرة، بيتا، ق ۹۴. ب؛ كشاف القناع، منصور بن ادريس البهوتي، مطبعة انصار السنة المحمدية، القاهرة، طبعة الثانية، ۱۳۶۶ هـ. ق، ۱۹۴۷ م، ج ۳۰، ص ۳۱؛ شرح النيل و شفاء العليل، محمد بن يوسف اطفيش، المطبعة السلفية، القاهرة، ۱۳۴۳ هـ. ق، ج ۱۰، ص ۴۱۷؛ و نیز احكام اهل‌الذمة، ابن قيم

آثار حقوقي اعلان جنگ در ... ❖ ۳۱۷

این قول اکثر اهل علم است و احادیث صحیح بر معنای آن دلالت می‌کند.<sup>۴۷</sup>

شیعه امامیه نیز به رأی سوم قائل است. برخی از فقهای شیعی تعبیر «لایجوز القتال الا بعد الدعاء» یا «انما یجوز بعد الدعاء» آورده‌اند. شیخ طوسی در «النهاية في مجرد الفقه و الفتاوي»،<sup>۴۸</sup> «الخلافة»<sup>۴۹</sup> و نیز در «المبسوط في الفقه الاماميه»،<sup>۵۰</sup> قاضی ابن براج طرابلسی در «المهذب»،<sup>۵۱</sup> راوندی در «فقه القرآن»،<sup>۵۲</sup> ابن ادريس حلی در «السرائر»،<sup>۵۳</sup> علامه

---

الجوزية، تحقیق صبحی الصالح، مطبعة جامعة دمشق، ۱۹۶۱ م، ص ۵.

۴۷. رك. احكام الحرب و السلام في دولة الاسلام، همان، ص ۱۵۱.

۴۸. النهاية في مجرد الفقه و الفتاوي، شیخ طوسی، چاپ شده در سلسله الینابیع الفقهیه، علی اصغر مروارید، مؤسسه فقه الشیعه، الدار الاسلامیه، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ هـ. ق، ۱۹۹۰ م، ج ۹، ص ۵۱.

۴۹. الخلافة، همو، سلسله الینابیع، ج ۳۱، ص ۱۰.

۵۰. المبسوط في الفقه الاماميه، همو، سلسله الینابیع، ج ۳۱، ص ۸۱.

۵۱. المهذب، قاضی عبدالعزیز بن البراج الطرابلسی، سلسله الینابیع، ج ۹، ص ۸۵.

۵۲. فقه القرآن، سعید بن عبدالله بن الحسین بن هبة الله بن الحسن الراوندی، سلسله الینابیع، ج ۹، ص ۱۱۳.

۵۳. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي، ابو منصور محمد بن ادريس محمد العجلي الحلي، سلسله الینابیع، ج ۹، ص ۱۷۷.

حَلِّي در «قواعد الاحكام في مسائل الحلال و الحرام»<sup>٥٤</sup> و نیز در «ارشاد الازهان»<sup>٥٥</sup>، شهید اول در «الدروس الشرعية»<sup>٥٦</sup> و فاضل مقداد در «کنزالعرفان»<sup>٥٧</sup> از آن جمله اند. برخی دیگر از فقهای اهل بیت (ع) تعبیر «لا يبدأ القتال الا بعد الدعاء» یا قریب به این مضمون دارند. مثل شیخ طوسی در «الجمل و العقود»<sup>٥٨</sup> و نیز «الاقتصاد الهادي الي الرشاد»<sup>٥٩</sup>، ابن حمزة طوسی در «الوسيلة الي نيل الفضيلة»<sup>٦٠</sup> محقق حلِّي در «شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام»<sup>٦١</sup> و نیز

- 
٥٤. قواعد الاحكام في مسائل الحلال و الحرام، علامه حلِّي، سلسلة الينابيع، ج ٩، ص ٢٤٦.
٥٥. ارشاد الازهان، علامه حلِّي، سلسلة الينابيع، ج ٣١، ص ١٩٢.
٥٦. الدروس الشرعية، محمد بن جمال الدين مكي العاملي (شهيد اول)، سلسلة الينابيع، ج ٣١، ص ٢٢٣.
٥٧. كنزالعرفان، همان، ج ١، ص ٣٩٢.
٥٨. الجمل و العقود، شيخ طوسي، سلسلة الينابيع، ج ٩، ص ٦١.
٥٩. الاقتصاد الهادي الي الرشاد، شيخ طوسي، سلسلة الينابيع، ج ٣١، ص ٤.
٦٠. الوسيلة الي نيل الفضيلة، عمادالدين ابوجعفر محمد بن علي بن حمزه الطوسي، سلسلة الينابيع، ج ٩، ص ١٦٠.
٦١. شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، محقق حلِّي، سلسلة الينابيع، ج ٩، ص ٢٠٣.

آثار حقوقي اعلان جنگ در ... ❖ ٣١٩

«المختصر النافع»<sup>۶۲</sup> و شیخ محمد حسن نجفی در «جواهر الکلام»<sup>۶۳</sup> که معتقدند ابتدا به جنگ نمی‌شود مگر بعد از دعوت به اسلام.

شهید اول در «اللمعة الدمشقية»<sup>۶۴</sup> تعبیر به وجوب کارزار، بعد از دعوت و امتناع دشمن دارد و ابوالصلاح حلبی در «الكافي في الفقه»<sup>۶۵</sup> تعبیر به «فليقدم الدعوة اليه» می‌کند. ابن سعید هذلی در «الجامع للشرائع»<sup>۶۶</sup> تعبیر به «لا قتال حتّی يدعوه» دارد و علامة حلّی در «تلخیص المرام في معرفة الاحكام»<sup>۶۷</sup> عبارت «يحرم القتال دون الدعاء» را آورده است و همو

---

۶۲. المختصر النافع، محقق حلّی، سلسله الینابیع، ج ۹، ص ۲۲۷.

۶۳. جواهر الکلام في شرح شرایع الاسلام، شیخ محمد حسن نجفی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ. ش، ج ۲۱، ص ۵۱.

۶۴. اللمعة الدمشقية، شهید اول، سلسله الینابیع، ج ۹، ص ۲۷۳.

۶۵. الكافي في الفقه، همان، ص ۳۲.

۶۶. الجامع للشرائع، ابو زکریا یحیی بن احمد بن یحیی بن الحسن بن سعید الهذلی، سلسله الینابیع، ج ۹، ص ۲۳۵.

۶۷. تلخیص المرام في معرفة الاحكام، علامه حلّی، سلسله الینابیع، ج ۳۱، ص ۲۰۳.

در «تبصرة المتعلمين في احكام الدين»<sup>٦٨</sup> عبارت «انما يحاربون بعد الدعاء» به‌کار برده است. نظام‌الدين صهرشتي در «اصباح الشيعة بمصباح الشريعة»<sup>٦٩</sup> در بحث از كيفيت جهاد، مقدم داشتن اعدار و انذار قبل از جنگ را برشمرد و لازم دانسته است. از ميان فقها ابن زهرة حلي در «غنية النزوع الي علمي الاصول و الفروع»<sup>٧٠</sup> و نيز ابوالحسن حلي در «اشارة السبق الي معرفة الحق»<sup>٧١</sup> عبارت «ينبغي تقديم الانذار» را آورده اند كه گويا استحباب را مي‌رساند.

نكته مهم اين كه عموم فقهاي بزرگوار تکرار دعوت و تلطيف در بيان آن را مورد اشاره قرار داده و تأکید کرده‌اند. براي نمونه، در «الكافي في

---

٦٨. تبصرة المتعلمين في احكام الدين، همو، سلسلة الينابيع، ج ٣١، ص ١٨٦.

٦٩. اصباح الشيعة بمصباح الشريعة، نظام الدين ابوالحسن سلمان بن الحسن بن سليمان الصهرشتي، سلسلة الينابيع، ج ٩، ص ١٦٩.

٧٠. الغنية النزوع الي علمي الاصول والفروع، حمزة بن علي بن زهرة الحسيني الاسحاقي الحلي، سلسلة الينابيع، ج ٩، ص ١٥١-٢.

٧١. اشارة السبق الي معرفة الحق، علاء الدين ابوالحسن علي بن ابي‌الفضل الحسن بن ابي‌المجد الحلي، سلسلة الينابيع، ج ٩، ص ١٩٥.

آثار حقوقي اعلان جنگ در ... ❖ ٣٢١

الفقه» می‌خوانیم: «و باید در دعوت کوشش کند و به بیان لطیف درآید و خود و صاحبان بصیرت از اصحابش دعوت را تکرار نمایند». <sup>۷۲</sup> از سوی دیگر بسیاری از فقیهان بر این نکته مهمتر پای فشرده‌اند که حتی بعد از انذار و اعذار، نباید آغاز جنگ از سوی مسلمانان باشد. بلکه به خاطر تحقق اتمام حجت و بسته شدن راه هرگونه عذر برای غیرمسلمانان، سپاه اسلام باید ابتدا به جنگ نکند تا غیرمسلمانان آغازگر جنگ باشند. برای نمونه، ابن زهرة حلبی در «الغنیة» آورده است: «بعد از اعذار و انذار و کوشش در دعوت شایسته است که از جنگ خودداری شود تا دشمن آغازگر آن باشد و حجت بر او تمام شود». <sup>۷۳</sup>

از لحاظ دعوت به اسلام، غیر مسلمانان به دو گروه عمده تقسیم می‌شدند: «یک دسته غیرمسلمانی که دعوت اسلامی به آنها رسیده ولی بدان وقعی ننهاده و از قبول آن سرباز زده بودند.

---

۷۲. الكافي في الفقه، همان، ص ۳۲.

۷۳. الغنیة النزوع الي علمي الاصول والفروع، همان، ص ۱۵۱ و ۱۵۲.



در چنین موارد فرمانده سپاه اسلام حق داشت بدون تجدید دعوت رسمی و اخطار قبلی با آنها به جنگ بپردازد. البته شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در عمل، معمولاً از این روش کمتر استفاده می‌شد. دسته دوم غیرمسلمانانی بودند که دعوت به آنها نرسیده بود. حمله به آنها قبل از عرضه کردن دعوت ممنوع است. در هر دو مورد مسلمانان فقط در صورتی جنگ را آغاز می‌کردند که دعوت‌شدگان دعوت اسلام را با سلاح پاسخ می‌گفتند. اگر دعوت را نمی‌پذیرفتند و دست به خصمه هم نمی‌زدند، عهدنامه منعقد می‌شد.<sup>۷۴</sup>

به هر حال، همانطور که از عبارات فقهای گرانقدر روشن می‌شود، تکرار دعوت حتی برای کسانی که قبلاً دعوت به آنها رسیده است استحباب تأکیدی دارد. ضمن این که در صورت عدم قبول دعوت، به هر حال شروع جنگ معمولاً از سوی مسلمانان نیست بلکه آغازگر دشمنان اند. از سوی دیگر، بر مهلت دادن چنان چه در برخی از

---

۷۴. رك. اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، احمد رشید، ترجمه سید حسین سیدی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ ه. ش، ص ۱۵۴-۱۵۲.

احادیث آمده تأکید تام رفته است تا دشمن بتواند پیرامون دعوت و پیام دین الهی تأمل و اندیشه کند.

### کیفیت انذار

ظاهراً در حقوق بین‌الملل آمده است که انذار باید کتبی باشد<sup>۷۰</sup> اما در حقوق اسلامی انواع دیگر انذار نیز وجود دارد. در تاریخ اسلام مواردی از دعوت سران ممالک غیراسلامی به اسلام از طریق مکاتبات رسمی یا نمایندة ویژه یا بیان واضح و صریح به چشم می‌خورد. خصوصاً در زمان پیامبر اکرم که نمایندگانی با نامه‌هایی حاوی دعوت به دیانت خاتم از سوی پیامبر به کشورهای مختلف فرستاده شدند.

با توجه به تنوع وسایل ارتباطی در جهان کنونی، نمی‌توان به یک یا دو وسیله خاص برای انذار و اولتیماتوم اکتفا کرد. بلکه اصولاً این امر تابع تطورات عرف بین‌المللی در ارتباطات بین‌کشورهاست. در «جواهر الکلام» آمده است:

---

۷۰. رك. آثار الحرب في الفقه الاسلامي، همان، ص ۱۵۹.

«و الظاهر الاكتفاء ببلوغها الي رئيسهم مشافهة او مراسلة او مكاتبة و الاولي اعتبار بلوغها الي كل مقاتل منهم».<sup>٧٦</sup> ظاهر اين است كه رسيدن دعوت و انذار به صورت شفاهي يا ارسال نماينده يا بطور كتبي به رئيس يك كشور كفايت مي‌كند، گرچه اولي اين است كه بايد دعوت به همة افراد كشور برسد. از سوي ديگر «هدايت و دعوت نيز صرفاً كلمات رسمي تقليدي نيست تا مجاهدان قبل از آغاز درگيري براي براءت ذمة خود بگويند، بلكه اين دعوت، دعوتي حقيقي و مستند به همة اسلوبها و اصول و افكاري است كه از آنها حجت بر حق و راه هدايت دريافت مي‌شود و اين امر با عناصر حقيقي پيامبري و رسالت مي‌خواند كه بايستي براي پا سخگويي بر همة شبهات وارد در اين مجال آمادگي لازم داشته باشد. آن هم با سخنان پاك و نيكو و اسلوبي حكيمانه و عقلايي و قلبي گشاده و مهربان كه به جاي حقد و كينه، لبريز از محبت و صفا باشد و رويي كه

---

٧٦. جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، همان، ج ٢١، ص ٥٣.

پیامبرگونه باشد نه روح سلطه‌جویی و استبداد».<sup>۷۷</sup>

ضمناً چنان چه در ماده ۲ معاهده سوم ۱۹۰۷ تصریح شده است اعلان جنگ باید به دولتهای بی‌طرف ابلاغ شود.<sup>۷۸</sup> این کشورها را در حقوق اسلامی می‌توان با اندکی مسامحه «دار حیات» نامید که در جای خود بدان خواهیم پرداخت و تفاوت‌های این دو را بر خواهیم شمرد.

### تاریکین انذار

در حقوق بین‌الملل برای ترک انذار یا اخطار قبل از اعلان جنگ مجازات خاصی مشاهده نمی‌شود. نهایت آن است که دولت عملی خلاف حقوق بین‌الملل مرتکب شده است. برخی حقوق بین‌الملل را حتی فاقد جنبه حقوقی دانسته و آن را صرفاً قواعدی اخلاقی رایج بین دولتها می‌دانند. برای نمونه «آستین» نویسنده انگلیسی قرن ۱۹ به سبب تعریفی که از حقوق ارائه می‌دهد، یعنی فرامینی که از سوی مقام حاکمه

---

۷۷. الاسلام و منطق القوة، محمدحسین فضل‌الله، ص ۲۰۸.

۷۸. حقوق مخاصمات مسلحانه، شارل روسو، همان، ج ۱، ص ۴۱.

مافوق صادر می‌شود و دارای ضمانت اجرا می‌باشد، حقوق بین‌الملل را فاقد جنبه حقوقی دانسته و آن را قواعد اخلاقی و عقاید و احساسات رایج بین دولتها توصیف می‌کند.<sup>۷۹</sup> در حقوق بین‌الملل ضمانت اجرای قوی و قدرت بالایی که بتواند قواعد و مبادی آن را مورد حمایت جدی قرار دهد وجود ندارد. به علاوه، حقوق بین‌الملل در تطبیق احکام و مقررات خود با وضع کشورها، ضعف‌های زیادی دارد. از سوی دیگر، «در جامعه بین‌الملل وظایف سه گانه قانونگذاری، حل و فصل اختلافات و اجرای قواعد متمرکز نیست».<sup>۸۰</sup> نقیصه‌های فوق و دیگر نقایصی که در جای خود بدان پرداخته شده است، این حقوق را مورد ابهام قرار می‌دهد.<sup>۸۱</sup>

---

۷۹. حقوق بین‌الملل عمومی، همان، ص ۴.

۸۰. همان، ص ۵.

۸۱. امروزه شواهد و رفتار دولتها حاکی از آن است که حقوق بین‌الملل را قواعد الزام‌آور تلقی می‌کنند و در مکاتبات خود به معاهدات و آرای دادگاهها و آثار نویسندگان استناد می‌نمایند و کوشش دارند که سیاستشان برخلاف حقوق بین‌الملل نباشد. قواعد حقوق بین‌المللی را منکر نمی‌شوند بلکه سعی در توجیه رفتار خود با استناد به برخی از اصول دیگر حقوق بین‌الملل دارند.

اما در اسلام فقه و حقوق به عنوان دستورالعمل زندگی جایگاه خاصی دارد. احکام و مقررات عملی عمومی و خصوصی محترم و مرعی است. منبع احترام نیز ناشی از سیطره و هیمنه عقیده اسلامی بر نفوس مسلمانان است. در يك ديندار مسلمان، دافع ذاتي براي عدم مخالف با حقوق و مقررات وجود دارد. ضمن اين كه فرد مخالف، از عواقب اخروي مخالفت در هراس است، از تعقيب دنيوي نیز در امان نيست. فقها تارکين انذار را آثم و گنهکار شمرده اند.

### اعلان جنگ با کیست؟

اعلامية رسمي جنگ و اولتيماتوم از سوي مقام مملکتی صلاحیتدار هر کشور صادر می‌شود. تعیین صلاحیت اعلان جنگ برای مقامات مملکتی، با حقوق عمومی داخلی یا به عبارت دیگر قانون اساسی هر کشور است. عمدتاً در مورد اقدامات جنگی و اعلانهای رسمی، قوة مقننه با قوة مجریه شریک و سهیم است. در سال ۱۹۳۹ با تفسیر قابل بحثی که از قانون اساسی فرانسه

به عمل آمد، تصویب اعتبارات نظامی به وسیله پارلمان بمنزله تأیید اعلان جنگ در نظر گرفته شد.<sup>۸۲</sup> در ایران اسلامی طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی که وظایف و اختیارات رهبر را طی ۱۱ بند عنوان می‌کند، فرماندهی کل نیروهای مسلح و نیز اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها را به عهده ولی فقیه و مقام معظم رهبری گذارده است.

اصولاً در حقوق اسلامی، امام و رهبر مسلمین و به طور کلی حاکم دولت اسلامی برای جنگ یا صلح صلاحیت دارد. ولی امر بالاترین فرمانده سپاهیان مسلمان است و همو اعلان‌کننده جنگ یا صلح است که به مقتضای مصلحت امت و با مشورت خبرگان ملت اقدام می‌کند. ولی امر به عنوان جانشین صاحب شرع در حفظ دین و سیاست دینی است. حمایت کیان امت اسلام و نگهداری از حریم کشور و حفظ مرزها با نیرو و قدرت دفاعی از موارد مهم سیاست نظامی دولت اسلامی است. مسؤول اعلان جنگ ولی امر مسلمین است و احادی از مسلمانان

---

۸۲. حقوق مخاصمات مسلحانه، همان، ج ۱، ص ۴۲.

نمی‌تواند با رغبت و میل خود با غیر مسلمانان وارد جنگ شود بلکه باید اجازه ولی امر باشد تا ارتباطات کشور اسلامی با غیرمسلمانان طبق نظام مشخص و راه درست و مسیر هدایت شده و مطمئنی جریان یابد. «طبري» در خلال حدیث غزوة بدر آورده است که «و قد امر رسول الله (ص) الا یحملوا حتی یامرهم».<sup>۸۳</sup> بنابراین برای سپاهی مسلمان حق جنگیدن نیست مادامی که رهبر فرمان به شروع نداده است. فقهای اهل سنت به این حق برای امام تصریح کرده‌اند. ابن قدامه آورده است «امر جهاد موکول به امام و اجتهاد اوست و رعیت را اطاعت او الزامی است». گو این که در این باب بین شیعه و سنی تفاوت نظر وجود دارد و شیعه تلقی عام اهل سنت از امام را بر نمی‌تابد.

فقهای شیعی در بحث انذار، داعی را امام (ع) یا منصوب از جانب امام

---

۸۳. تاریخ الرسل والملوک، الطبري، دارالمعارف، القاهرة، ۱۹۶۰ م، ج ۲، ص ۴۴۶؛ المغنی، همان، ج ۸، ص ۳۵۲؛ نیز رک. شرح السير الکبیر، همان، ج ۱۰، ص ۳۷۲؛ الاقنعا، همان، ق ۹۴. ب؛ لباب اللباب، ابو عبد الله بن راشد، المطبعة التونسية، تونس، ۱۳۴۶ هـ. ق، ص ۷۰؛ مغنی المحتاج الي شرح المنهاج، همان، ج ۴، ص ۲۲۰.



دانسته اند. شیخ طوسی در «الجمال و العقود»<sup>۸۴</sup> ابویعلی حمزة سلار در «المراسم العلویة»<sup>۸۵</sup> قاضی ابن براج طرابلسی در «المهذب»<sup>۸۶</sup> ابن زهرة حلبی در «غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع»<sup>۸۷</sup> محقق حلّی در «شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام»<sup>۸۸</sup> و نیز در «المختصر النافع»<sup>۸۹</sup> ابن سعید هذلی در «الجامع للشرائع»<sup>۹۰</sup> علامة حلّی در «قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام»<sup>۹۱</sup> و نیز «تبصرة المتعلمین فی احکام الدین»<sup>۹۲</sup> و «ارشاد الازهان»<sup>۹۳</sup> و «تلخیص المرام فی معرفة الاحکام»<sup>۹۴</sup> و

- 
۸۴. الجمال و العقود، همان، ص ۶۲.  
 ۸۵. المراسم العلویة، ابویعلی حمزة بن عبدالعزیز الدیلمی (سلار دیلمی)، سلسله الینابیع، ج ۹، ص ۶۸.  
 ۸۶. المهذب، همان، ص ۱۰۱.  
 ۸۷. الغنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع، همان، ص ۱۵۲.  
 ۸۸. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، همان، ص ۲۰۳.  
 ۸۹. المختصر النافع، همان، ص ۲۲۷.  
 ۹۰. الجامع للشرائع، همان، ص ۲۳۵.  
 ۹۱. قواعد الاحکام فی مسائل الحلال والحرام، همان، ص ۲۴۶.  
 ۹۲. تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، همان، ص ۱۸۶.  
 ۹۳. الارشاد الازهان، همان، ص ۱۹۲.  
 ۹۴. تلخیص المرام فی معرفة الاحکام، همان، ص ۲۰۳.

آثار حقوقی اعلان جنگ در ... ❖ ۳۳۱

شهید اول در «الدروس الشرعية»<sup>۹۵</sup> از آن جمله اند. صاحب جواهر آورده است: «در هر حال در «النافع» و «التحریر» و «التذكرة» و «التبصرة» و «الارشاد» و «القواعد» و «الدروس» و «الروضة» آمده است که دعوت کننده امام (ع) یا منصوب از جانب او می باشد که چه بسا مراد وجوب باشد»<sup>۹۶</sup>.

شیخ طوسی در کتابهای دیگر خود «النهاية في مجرد الفقه و الفتاوي»<sup>۹۷</sup> و نیز در «الاقتصاد الهادي الي الرشاد»<sup>۹۸</sup> و «المبسوط في الفقه الامامية»<sup>۹۹</sup> و نیز ابن ادریس حلی در «السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي»<sup>۱۰۰</sup> عبارت «ينبغي ان يكون الداعي هو الامام او من نصبه» آورده اند که اشعار به ندب و استحباب دارد.

---

۹۵. الدروس الشرعية، همان، ص ۲۲۳.

۹۶. جواهرالكلام في شرح شرايع الاسلام، همان، ج ۲۱، ص ۵۲.

۹۷. النهاية في مجرد الفقه و الفتاوي، همان، ص ۵۱.

۹۸. الاقتصاد الهادي الي الرشاد، همان، ص ۴.

۹۹. المبسوط في الفقه الامامية، همان، ص ۸۱.

۱۰۰. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوي، همان، ص ۱۷۷.

با توجه به مراتب فوق روشن است که دعوت، نبذ، انذار نهایی و اعلان جنگ، وظیفه امام المسلمین است.

### آثار حقوقی اعلان جنگ

به دنبال وقوع يك جنگ یا اعلان آن، معمولاً حالت جنگ خود به خود و بلافاصله بعد از آن حاصل می‌شود و سرزمینی که به آن اعلان جنگ شده و درگیری آغاز شده است، عنوان «دار حرب» می‌گیرد. حالت جنگی و مشخص شدن دار حرب مهمترین اثری است که بر روابط طرفین مخاصمه حاکم می‌گردد و آن را تحت الشعاع قرار می‌دهد و سایر آثار ناشی از برقراری این حالت است. درخصوص این آثار در فرصت دیگری به تفصیل سخن خواهیم گفت.

اجمالاً مهمترین آثار به شرح زیر

است:

- ۱- ممنوعیت مناسبات تجاری با دشمن.
- ۲- فسخ قراردادهای دوجانبه بین کشور اسلامی و دشمن.

- ۳- مشخص شدن کشورهای بی طرف که در حقوق اسلامی می‌توان آنها را دار حیات عنوان داد.
- ۴- به تعلیق درآمدن روابط سیاسی و دیپلماتیک با دشمن.
- ۵- به شمار آمدن اموال عمومی دشمن به عنوان غنیمت جنگی.

### خاتمه

از مجموعه متون اسلامی چنین برمی‌آید که به هر حال جهاد متضمن شروطی خاص است که باید تحقق یابد و از آن جمله؛ وجوب انذار دشمن قبل از کارزار یا به عبارت دیگر اتمام حجت (اولتیماتوم) و سپس اعلان جنگ است. در حقوق اسلامی به طور کلی جنگ جایز نیست مگر این که قبل از آن دعوت اسلامی صورت گرفته باشد و مهلتی نیز برای تحقیق، بررسی و مطالعه پیرامون دعوت به دشمن داده شود.<sup>۱۰۱</sup>

در طبیعت دعوت اسلامی ابهام، کُلفت و تیرگی عقلانی وجود ندارد بلکه این دعوت از شفافیت خاصی برخوردار است. مقتضای

---

۱۰۱. الکافی فی الفقه، همان، ص ۳۲.

دعوت این است که همه غیرمسلمانان آن را بشنوند و بفهمند و آزادانه بیندیشند و مختارانه آن را انتخاب نمایند. حتی به عبارتی معنای «جهاد فی سبیل الله» نیز «الدعوة الي الله» است. دعوت و هدایت هدف اصلی دیانت شریف است. دعوت و هدایت نیز صرفاً کلمات رسمی تقلیدی تکراری نیست بلکه دعوتی حقیقی و مبتنی بر روحی پیامبرگونه، سخنانی پاک و متین، روشی حکیمانه و اسلوبی عقلانی و رویی‌گشاده و مسالمت‌آمیز است. در پرتو دعوت آمادگی‌های بسیاری لازم است. اقامه براهین و استدلال‌ات عقلانی و ارائه محاسن و نیکویی‌های اسلام، پاسخ‌گویی به شبهات و سؤالات وارد از سوی دیگران از آن جمله است. آیه ۱۲۵ سوره نحل حکمت و موعظه حسنه و جدال احسن را معیار دعوت به حق و هدایت‌گری دانسته است و تحقیق آن است که پیامبر بزرگوار نیز مردم را به قدر استعدادشان دعوت می‌کرد و می‌فرمود: «امرنا معاشر الانبياء ان نكلم الناس علي قدر عقولهم».<sup>۱۰۲</sup>

---

۱۰۲. کنز‌العرفان، همان، ج ۱، ص ۳۹۲.

در حدیثی که از امام سجاد (ع) روایت شده است صفات «تائب، عابد، حامد، سائح، راکع، ساجد، آمر بالمعروف، ناهی عن المنکر و حافظ لحدود الله» برای کسانی که به جهاد روی می‌آورند برشمرده است.<sup>۱۰۳</sup> مرور صفات فوق خود گویای خیلی چیزهاست. دعوت‌کننده باید کسی باشد که خود به محتوای دعوت دینی عامل باشد. یا معصوم باشد یا منصوب از جانب معصوم باشد. اگر نصب خاصی باشد که سخنی نبوده و نیست در نصب عام که عموم فقهای بزرگوار را در دوره غیبت شامل می‌شود، طبق بسیاری از احادیث باید به فقیه مبسوط الید رجوع کرد. بحث مفصل در این باره و نیز صفات و شرایط و ویژگیهای الزامی برای چنین فقیهی در کتب خاص خود آمده است.<sup>۱۰۴</sup> با توجه به این مطلب در حقوق اسلامی، انذار، دعوت و اخطار و به بیان

---

۱۰۳. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، تهران، اسلامیة، ۱۳۸۸ هـ. ق، ج ۱۱، ص ۳۴.  
۱۰۴. برای نمونه رک. ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، امام خمینی؛ البیع، امام خمینی؛ دراساة فی ولایة الفقیه، چهار جلد، آیه الله منتظری و بسیاری کتب دیگر. شایان ذکر است که در جهاد دفاعی نیاز به اذن امام نیست بلکه وجوب آن عقلی است. بحث ما در جهاد ابتدایی است.

دیگر، اعلان جنگ از اختیارات ولی امر  
مسلمین است و اوست که باید این وظیفه  
مهم را برعهده بگیرد و به هدایت عمومی  
«ناس» اقدام کند و آنان را به راه صواب  
و نهج حق دعوت نماید.